

# مرجع سوالات و محتوای آموزشی

ابتدایی-دوره متوسطه اول و دوم

زبان خارجه - فناوری اطلاعات



[www.novinmad.ir](http://www.novinmad.ir)



معنی لغت‌های مهم درس

| ایام:    | جمع یوم، روزها | ره:        | راه                            |
|----------|----------------|------------|--------------------------------|
| دیدگان:  | چشمان          | دریغا:     | دریغ، افسوس                    |
| درنگر:   | نگاه کن        | زنگار:     | زنگ زدن، آلودگی، گرد و غبار    |
| شمر:     | به شمار آور    | عار:       | عیب و نقص                      |
| عیب:     | نقص            | بصیرت:     | آگاهی                          |
| پندار:   | گمان           | خود پسندی: | خود خواهی                      |
| درنگر:   | نگاه کن        | دیدگان:    | چشمان                          |
| ره:      | راه            | غنیمت:     | با ارزش بودن، سود بردن از چیزی |
| فراتر:   | بالا تر        | گام:       | قدم                            |
| متاع:    | کالا           | نقش:       | تصویر، شکل                     |
| نیک بخش: | خوشبختی        | گه:        | گاه                            |
| باطل:    | کار            | حرص:       | زیاده خواهی                    |
| خسرو:    | پادشاه         | فرتوتی:    | پیری، ناتوانی                  |

معنی بیت

آینه، چون نقش تو بنمود راست  
خود شکن آینه شکستن خطاست  
اگر آینه عیب و نقص‌هایت را به تو نشان داد، آن را نشکن، بلکه عیب و نقص‌هایت را برطرف کن، زیرا از بین بردن و شکستن آینه اشتباهی بزرگ است.

معنی ابیات کار و شایستگی

جوانی، گه کار و شایستگی است  
گه خود پسندی و پندار نیست  
جوانی دوره کار، تلاش، کوشش و نشان دادن شایستگی‌هاست. دوره‌ای است که خیال‌های خام و خود پسندی و غرور در آن راه ندارد.  
چو بفروختی، از که خواهی خرید؟  
متاع جوانی به بازار نیست  
وقتی که جوانی را آسان از دست بدهی، دیگر نمی‌توانی آن را به دست آوری، چون جوانی، مانند کالا نیست که در بازار خرید و فروش شود و تو آن را بخری. (قدر جوانی را بدان.)  
غنیمت شمر، جز حقیقت مجوی  
که باری است فرصت، دگر بار نیست  
قدر و ارزش جوانی را بدان و در این دوره به دنبال کشف حق و حقیقت و درک آن باش، اگر جوانی بگذرد، فرصت درک حقیقت را نیز از دست می‌دهی و فرصت دوباره‌ای نخواهی داشت.

مپیچ از ره راست، بر راه کج چو در هست، حاجت به دیوار نیست

از راه راست به راه کج منحرف نشو و تلاش کن که همیشه در راه راست قدم برداری، وقتی که راه راست وجود دارد، نیازی به راه کج نیست. خانه‌ای که در دارد، نیازی نیست که از بالای دیوار وارد خانه شویم.

بیاموز، آموختن عار نیست

ز آزادگان، بردباری و سعی

از انسان‌های آزاده، شکیبایی و بردباری و سعی و تلاش را یاد بگیر، زیرا آموختن، عیب و ننگ نیست.

تو را تا در آئینه، زنگار نیست

به چشم بصیرت به خود در نگر

با آگاهی از خود، به خود نگاه کن. ارزش‌های ذاتی خودت را کشف کن، قبل از اینکه پیر شوی و فرصت جوانی‌ات را از دست بدهی و قلب پاک و بی‌آلایش آلوده به زنگار شود و نتوانی حقایق را ببینی.

ز آغاز، هر خوشه خروار نیست

همی دانه و خوشه، خروار شد

دانه‌ها به خوشه و خوشه‌ها به خروار تبدیل می‌شوند و در ابتدا هیچ خوشه‌ای خروار نبوده است. تو نیز سعی و تلاش کن و مرحله به مرحله به دانش و ارزشهای خود اضافه کن، چون دانش و صفات خوب در انسان یک باره به دست نمی‌آید، بلکه با تلاش و کوشش و به مرور زمان اضافه می‌شود.

دریغا که شاگرد هشیار نیست

همه کار ایام، درس است و پند

تمام اتفاقات روزگار، همچون درسی برای همه انسان‌هاست، اما دریغ و افسوس، انسان‌هایی که همچون دانش آموزان کلاس این روزگار هستند، هوشیار و آگاه نیستند و از اتفاقات زمانه درس نمی‌گیرند.

## خود ارزیابی

**سوال ۱:** نویسنده به چه نوع ارتباط‌هایی در دوران نوجوانی اشاره کرده است؟

نوجوان، افزون بر رابطه با خود، نیازمند رابطه‌ای دیگر نیز هست، رابطه‌ای به نام دوستی و پیوند، رابطه‌ای که وابسته به نیاز درونی است، نیازی که به نوجوان کمک می‌کند تا به خود شناسی برسد.

**سوال ۲:** ویژگی‌های مشترک آئینه و دوست را بیان کنید.

هر دو واقعیت‌هایی شخصی را نشان می‌دهند، راست گو هستند، اندازه و حد خود را نگه می‌دارند، نه زیاده گویی می‌کنند نه کم گویی، به دنبال برجسته کردن نکات مثبت جهت تقویت و نشان دادن نکات منفی جهت برطرف کردن هستند.

**سوال ۳:** به نظر شما چه ارتباطی میان نثر و شعر درس وجود دارد؟

نثر این درس به زبا ساده، ارتباط و راه‌های ارتباط با دیگران را بیان می‌کند. همچنین انسان را به خود شناسی دعوت می‌کند و زبان نقد و تفکر نقادانه را مطرح می‌کند، زیرا انسان‌ها با نقد شدن، نقص‌های خود را برطرف می‌کنند و شعر درس نیز همین ویژگی‌ها را با زبانی دیگر بیان می‌کند. این شعر انسان را به خودشناسی و قدر جوانی را دانستن دعوت می‌کند و می‌گوید، دوستان مانند آینه هستند و ما باید قدر این دوره از زندگی را بدانیم.

**سوال ۴:** چگونه می‌توانیم قدر جوانی و نوجوانی خود را بدانیم؟ با خودشناسی، تقویت صفات خوب و دور کردن صفات منفی از خود و علم اندوزی.

### گفت و گو

**سوال ۱:** درباره مفهوم جمله «المؤمن مرآة المؤمن» و ارتباط آن با درس بحث و گفت و گو کنید.  
 معنی جمله: «مؤمن آینه مؤمن است». آیین و وظیفه‌ای دارد. وظیفه آن صداقت و راست گویی و انعکاس واقعیت‌ها است. آیین بدون این که به کس دیگری سر ما را انتقال دهد. بدون اینکه که آبروی کسی را از بین ببرد و بدون این که عیب‌ها و اطلاعات دیگران را در اختیار ما قرار دهد با ما برخورد می‌کند. انسان‌ها نیز می‌توانند مانند آینه باشند. عیب و نقص یکدیگر را بدون داد و فریاد و نیز همان گونه که هست به همدیگر بگویند. مواظب رازهای هم دیگر باشند، مواظب آبروی انسان‌های دیگر باشند و...

**سوال ۲:** بیت زیر، کدام ضرب المثل را به یاد می‌آورد، در باره ارتباط این دو، توضیح دهید.  
 همی دانه و خوشه، خروار شد  
 ز آغاز، هر خوشه خروار نیست  
 اندک اندک جمع گردد، وانگهی دریا شود.  
 هم ضرب المثل و هم شعر افزایش منطقی را یادآور می‌شوند و گسترش تدریجی با تلاش و کوشش را متذکر می‌شوند.

### نوشتن

**سوال ۱:** در میان کلمه‌های زیر، هم خانواده کدام واژه‌ها در متن درس به کار رفته است؛ آنها را بیابید و بنویسید:

|        |       |       |       |         |       |
|--------|-------|-------|-------|---------|-------|
| غنی:   | غنیمت | حجّت: | *     | یوم:    | ایام  |
| مغتنم: | غنیمت | مبصر: | بصیرت | احتیاج: | محتاج |
| صبور:  | *     | دوام: | *     | مساعی:  | سعی   |
| سعید:  | *     |       |       |         |       |

**سوال ۲:** در بیت زیر کنایه‌ها را مشخص کنید و معنی آنها را بنویسید.  
 مپیچ از ره راست بر راه کج  
 چو در هست، حاجت به دیوار نیست  
 از راه راست پیچیدن، کنایه از منحرف شدن.  
 به راه کج رفتن، کنایه از راه نادرست و کار اشتباه انجام دادن.

**سوال ۳:** با ذکر دلیل گونه‌های پرسش را مشخص کنید.  
 که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟  
 یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار؟  
 مصراع اول: پرسش انکاری، مصراع دوم: پرسش انکاری  
 شاعر تاکید بر سوال دارد یعنی به جز خدا چه کسی توانایی دارد تا از چوب خشک میوه‌های رنگارنگ خلق کند. در مصراع دوم هم شاعر بر نکته‌ای دیگر تاکید می‌کند و می‌گوید به جز خدا کسی توانایی خلق گل‌های رنگارنگ را از بین خارها ندارد.  
 خار بر پشت زنی زین سان گام  
 عزت چیست؟ عزیزت کدام؟  
 پرسش معمولی: قهرمانان داستان از هم دیگر پرسشی می‌پرسند که نیاز به پاسخ دارد.  
 هر شب که روی به جامه خواب  
 کن نیک تأمل اندر این باب  
 کان روز، به علم تو چه افزود؟  
 وز کرده خود، چه برده‌ای سود؟  
 مصراع اول: پرسش معمولی، مصراع دوم: پرسش معمولی - چون سوالها برای پاسخ دادن پرسیده شده‌اند.